



درآمدی بر نقش هنر در مدارس

(رشته علوم تربیتی)

انور شاه محمدی نعمت الله عزیزی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

نه	پیشگفتار
۱	فصل اول. نقش و جایگاه هنر و لزوم آموزش آن در مدارس
۳	تعریف هنر
۵	ارزش و اهمیت هنر
۶	هنر و فعالیت‌های گروهی
۷	هنر و آموزش‌های علمی
۸	هنر و آرامش روان
۹	هنر و اهمیت آن در اسلام
۱۲	تدریس و آموزش هنر
۱۴	اهمیت هنر و آموزش آن در مدارس
۲۰	اهداف آموزش هنر در مدارس
۲۳	پیشینه آموزش هنر
۲۸	زمان شروع آموزش هنر در مدارس
۳۰	ارتباط دو سویه هنر و خلاقیت
۳۳	آموزش هنر در دوره ابتدایی
۳۵	فصل دوم. دامنه شمول هنر در مدارس
۳۶	۱. موسیقی
۳۷	موسیقی کودکان
۳۷	اهداف آموزش موسیقی در مدارس
۳۸	اهمیت و ضرورت آموزش موسیقی در مدارس
۴۳	۲. کار دستی و حجم‌سازی
۴۴	اهداف آموزش کاردستی و حجم‌سازی در مدارس
۴۴	۳. نقاشی
۴۵	اهمیت و ضرورت آموزش نقاشی
۴۶	اهداف آموزش نقاشی در مدارس

۴۷	۴. خوشنویسی
۴۷	طراحی
۴۸	۵. اهمیت آموزش طراحی در مدارس
۵۰	۶. ادبیات
۵۰	ادبیات کودکان (شعر، قصه، داستان)
۵۱	تعریف ادبیات کودکان
۵۱	تقسیمات ادبیات کودکان
۵۱	موضوعات ادبیات کودکان
۵۲	نقش‌های ادبیات کودکان
۵۳	شعر
۵۳	اهمیت شعر در مدارس
۵۴	قصه
۵۶	اهمیت قصه و ضرورت آموزش آن در مدارس
۵۸	۷. هنرهای نمایشی
۵۹	اهمیت و ضرورت نمایش و تئاتر در مدارس
۶۰	اهداف آموزش نمایش و تئاتر در مدارس
۶۰	۸. رقص (حرکات موزون)

۶۳	فصل سوم. مبانی طراحی آموزشی درس هنر در مدارس
۶۵	اهداف برنامه درسی هنر
۶۶	اصول برنامه درسی هنر در مدارس
۶۷	۱. برخورداری درس هنر از جایگاهی مستقل و تعریف شده
۶۷	۲. جامعیت محتوایی
۶۷	۳. انعطاف‌پذیری
۶۸	۴. دانش‌آموز محوری
۶۸	۵. تلفیق رشته‌های هنری
۶۹	۶. پرورش خلاقیت
۷۰	۷. یادگیری مشارکتی
۷۰	۸. پویایی برنامه
۷۱	طراحی آموزشی درس هنر در مدارس
۷۳	طراحی برنامه درسی روزانه هنر
۷۳	۱. تعیین مشخصات کلی
۷۳	۲. مشخص کردن اهداف کلی، جزئی و رفتاری
۷۴	۳. تعیین وسایل آموزشی
۷۴	۴. روش‌های تدریس
۷۵	۵. کسب آمادگی قبل از شروع درس
۷۵	۶. انجام ارزشیابی تشخیصی
۷۵	۷. آماده‌سازی برای تدریس
۷۶	۸. ارائه‌ی درس

۷۶	۹. فعالیت‌های تکمیلی
۷۶	۱۰. انجام ارزشیابی تکوینی و پایانی
۷۹	فعالیت‌های آموزشی قابل طرح هنر در کلاس
۸۰	موسیقی
۸۱	حجم‌سازی
۸۲	کاردستی
۸۲	نقاشی
۸۴	قصه‌گویی
۸۶	ویژگی قصه‌های کودکان

۸۹	فصل چهارم. روش‌های آموزش هنر در مدارس
۹۱	ملاک‌های انتخاب روش‌های آموزش هنر در مدارس
۹۲	روش‌های آموزش هنر
۹۲	۱. روش آموزش مستقیم
۹۳	الف) روش توضیحی
۹۳	ب) روش پرسش و پاسخ
۹۴	ج) روش گردش عملی
۹۴	د) روش بحث گروهی
۹۵	ه) روش گروه‌های کوچک
۹۶	۲. روش آموزش غیرمستقیم
۹۶	الف) روش نمایشی
۹۶	ب) روش ایفای نقش
۹۸	ج) روش داستان‌سرایی
۹۹	۳. روش یادگیری فعال
۹۹	الف) روش طرح مسئله
۱۰۱	ب) روش واحد کار (پروژه)

۱۰۳	فصل پنجم. ارزشیابی فعالیت‌های هنری در مدارس
۱۰۴	آشنای با مفهوم ارزشیابی
۱۰۴	ارزشیابی فعالیت‌های هنری
۱۰۸	دشواری‌های ذاتی ارزشیابی هنری در مدارس
۱۰۹	ابزارها و روش‌های ارزشیابی در حوزه هنر
۱۱۲	اصول سنجش کارهای هنری در مدارس
۱۱۴	اجرای ارزشیابی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان
۱۱۷	کاربرد برگه‌ی ارزشیابی در فعالیت‌های هنری
۱۲۰	کاربرد کارنامه‌ی توصیفی در ارزشیابی درس هنر

۱۲۱	فصل ششم. کاربرد فناوری‌های چندرسانه‌ای در آموزش هنر
۱۲۳	مفهوم رسانه، فناوری، فناوری آموزشی و چندرسانه‌ای‌ها
۱۲۴	فناوری
۱۲۵	فناوری آموزشی
۱۲۶	چندرسانه‌ای‌ها
۱۲۶	فناوری‌های چندرسانه‌ای در آموزش
۱۲۷	فناوری‌های چندرسانه‌ای در تدریس
۱۲۸	آموزش مجازی
۱۲۹	آموزش به کمک کامپیوتر
۱۳۰	فناوری اطلاعات و ارتباطات
۱۳۰	یادگیری الکترونیکی
۱۳۱	نقش فناوری‌های چندرسانه‌ای در آموزش و پرورش
۱۳۱	نقش فناوری‌های چندرسانه‌ای در تسهیل یادگیری
۱۳۲	نقش فناوری‌های چندرسانه‌ای در ایجاد انگیزه
۱۳۳	نقش فناوری‌های چندرسانه‌ای در یادگیری شاگرد محوری
۱۳۷	نقش فناوری‌های چندرسانه‌ای در سنجش و ارزیابی
۱۳۸	نقش فناوری‌های چندرسانه‌ای در بهبود و ارتقای مهارت‌ها تفکر
۱۴۰	معلمان و فناوری‌های چندرسانه‌ای
۱۴۱	دانش‌آموزان و فناوری‌های چندرسانه‌ای
۱۴۴	کاربرد فناوری‌های چندرسانه‌ای در آموزش هنر
۱۴۵	برنامه‌های نقاشی
۱۴۵	برنامه‌های ترسیمی

۱۴۶	منابع
-----	--------------

پیشگفتار

یکی از رسالت‌های نظام آموزشی در هر جامعه ای فراهم کردن بسترهای لازم برای رشد و شکوفایی همه جانبه استعداد‌های کودکان، نوجوانان و جوانان است. نیل به این مهم و با عنایت به ماهیت چند بعدی و متکثر روحی، روانی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان از یک طرف و ضرورت استفاده از حداکثر توان یادگیری آنها در مؤسسات آموزشی از طرف دیگر، مستلزم طراحی و تدوین طیف متنوعی از برنامه‌ها، فرایندها و فعالیت‌های آموزشی است که بخش اعظم آن در خلال محتوا و متون درسی پیش‌بینی شده در ذیل عناوین برنامه درسی در هر دوره و پایه تحصیلی پیش‌بینی و ارائه می‌گردد. نکته قابل تامل این است که گاهی به دلایل مختلف از جمله نبودن بسترهای لازم، ضعف امکانات و شرایط و علی‌الخصوص فقدان معلمان آشنا با مبانی فلسفی و علمی و شیوه‌های اثربخش ارائه و تدریس یک موضوع و یا مفهوم، در جریان فرایندهای یاددهی - یادگیری آثار و نتایج مورد انتظار از یک برنامه قصدشده، برآورده نمی‌گردد. یکی از این حوزه‌ها که علیرغم اهمیت و جایگاه زایدالوصفش در جریان رشد دانش‌آموزان و تاثیر آن در به فعلیت رساندن استعداد‌های خدادادی آنها، دیرزمانی است که مورد غفلت قرار گرفته، هنر و آموزش آن در مدارس است. البته عدم تحقق اهداف آموزشی درس هنر در مدارس از یک جهت طبیعی به نظر می‌رسد. زیرا نه تنها امکانات و شرایط لازم برای اجرای فعالیت‌های این درس در مدارس موجود نیست، بلکه مهمتر از آن معلمان مدارس، علی‌الخصوص در مقطع ابتدایی از آمادگی و مهارت کافی برای آموزش درست و اصولی چنین موضوع مهمی برخوردار نیستند. این در

حالی است که در مواردی هم که استثناً معلم صاحب ذوقی مسئولیت آموزش چنین مقوله‌ای را به عهده می‌گیرد، بشدت مورد هجمه اولیای مدرسه و والدین قرار می‌گیرد که از فرصت‌های آموزشی این درس در جهت آموزش دروس به اصطلاح مهمتری چون ریاضی و علوم بهره گرفته شود!

از این رو شاید کتاب حاضر به لحاظ عدم وجود منبع علمی قابل قبولی جهت آشنایی اجمالی معلمان با هنر، شمول موضوعی آن در مدارس، اقسام هنر، سازماندهی محتوایی، روش و نحوه ارزشیابی از فعالیت‌ها هنری دانش‌آموزان جزء اولین اقداماتی باشد که علیرغم نبود وقت کافی و با بهره‌گیری فقط بخشی از تجارب و آراء مکتوب مربوط به این حوزه نگاشته شده است. مولفین براین باور هستند که اثر حاضر خالی از نقص و کاستی نبوده اما رجای واثق دارند با دریافت بازخورد عالمانه اهل نظر، اساتید و دانشجویان و معلمان محترم و همچنین فراهم شدن فرصت مناسب تری برای پدیدآوردگان اثر، در راستای رفع کاستی‌های موجود اهتمام خواهد شد.

انور شاه محمدی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور کردستان

نعمت الله عزیزی

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان

فصل اول

نقش و جایگاه هنر و لزوم آموزش آن در مدارس

«هر بچه یک هنرمند است. مسأله این است که چگونه وقتی او بزرگ می‌شود می‌توان او را هنرمند حفظ کرد.»
پیکاسو

هنر بخش بزرگی از فرهنگ هر کشور است و پاسداشت آن برای بقا و اعتلای کشورها از ضروریات و بدیهیات می‌باشد. آنچه مفهوم هنر با خود به همراه دارد، ارزش است و ارزش‌ها در منشور مدیریت کشورها در همه ادوار دارای جایگاه ویژه‌ای بوده‌اند؛ شناخت مختصات هنر و پرورش و آموزش آن یک هدف ملی است؛ زیرا از طریق هنر، «هویت‌یابی» زاینده می‌شود و در واقع هنر با خود زایش به همراه دارد. امروزه توجه به رشد دوران کودکی به اولویتی ملی برای ملل درآمده است. سیاست‌گذاران، صاحب‌نظران و مربیان در جوامع مختلف در تلاش هستند که بستر لازم را برای همه کودکان فراهم نمایند تا بتوانند در ارتباط با بهداشت، سلامت و یادگیری مناسب خود در سنین اولیه تجارب مورد نیاز را کسب کنند. در این خصوص چالش اصلی برای نظام‌های آموزشی قرار دادن همه کودکان در مسیری است که موفقیت آنها را در مدرسه و در زندگی تضمین نماید. هنر ابزار مهمی را برای انسان فراهم می‌کند که از طریق آن یاد بگیرد، بفهمد و ارتباط برقرار کند (بارنز، ۲۰۰۲). کودکان و نوجوانان از طریق ارتباط با هنر می‌توانند حرکت پیوسته‌ی خود را برای

توسعه قابلیت‌های خویش شروع، و به عنوان یک عضو فعال در دنیای پیرامون خود نقش آفرینی نمایند. هنر در وهله‌ی اول با ایجاد شوق و تمایل برای آموختن در افراد، به آنان می‌آموزد که چگونه یاد بگیرند، اما در شرایط و فضای جاری آموزشی که پاسخگو بودن ارزش محسوب می‌گردد و به صورت یک الزام اجتماعی درآمده است، معلمان و مربیان هنر نیز برای حفظ جایگاه هنر در آموزش و پرورش دولتی و رسمی باید به دو سؤال بنیادین پاسخ دهند: ۱. معلمان هنر قصد دارند چه مهارت‌های فکری‌ای را در دانش‌آموزان رشد دهند؟ ۲. دانش‌آموزان چگونه می‌توانند این مهارت‌ها را بیاموزند؟ البته این کافی نیست که گفته شود که هنر روش نقاشی، و یا احساسات خلاق را به دانش‌آموزان می‌آموزد. ما باید با ژرف نگری بیشتر دریابیم که هنگامی هنر به خوبی آموزش داده می‌شود چه مهارت‌های شناختی و اجتماعی مهمی به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد؟

در دهه‌های هشتاد و نود میلادی مربیان هنر تلاش کردند تا از پاسخ به سؤالات مذکور امتناع نمایند و در عوض درصدد برآمدند تا با اشاره به آنچه که از هنر به دیگر موضوعات پایه‌ای مدرسه منتقل شده است، آموزش هنر را توجیه نمایند (فیسک^۱، ۱۹۹۹). برای مثال در گزارش رئیس کمیته‌ی هنر و علوم انسانی آمریکا در سال ۱۹۹۵ آمده است که: آموزش هنر اثر قابل توجهی بر موفقیت کلی دانش‌آموزان در مدرسه می‌گذارد و می‌افزاید که نمرات آزمون‌های شفاهی و کتبی دانش‌آموزانی که دروس هنر را می‌گذرانند از دیگر دانش‌آموزانی که این دروس را نگرفته‌اند، بالاتر است (مورفی^۲، ۱۹۹۵: ۳).

در گزارش اخیر مرکز ملی آموزش و اقتصاد آمریکا (۲۰۰۶) با عنوان «انتخاب‌های سخت، زمان‌های سخت»^۳ شرط رقابت در اقتصاد جهانی را وجود مهارت‌های آینده در نیروی کار می‌داند و لازمه شکل‌گیری چنین مهارت‌هایی را ایجاد تحولات و اصلاحات در نظام آموزشی و مدارس آن کشور عنوان نموده است. از طرف دیگر بنا به این گزارش ایفای نقش رهبری اقتصادی کشورها در بازار جهانی فقط به تکنولوژی بستگی ندارد، بلکه خلاقیت و نوآوری نیز در آن بسیار دخیل است. بر همین

1. Fiske

2. Murfee

3. Tough Choices, Tough Times

مبنا تقویت مهارت‌های هنری و تقویت روحیه خلاقیت و نوآوری، خود انضباطی و سازمان‌یافتگی فردی و گروهی، انعطاف‌پذیری و سازگاری با تغییر و استفاده سریع از ایده‌ها و اندیشه‌ها از جمله قابلیت‌هایی ضروری برای موفقیت در محیط کار ارزیابی شده است (کمیته تحقیقات لیک^۱، ۲۰۰۸). هنر دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا قابلیت‌هایی را برای ایجاد، انجام و استفاده از قضاوت نقادانه، حل مسئله و درک اشکال مختلف هنر به دست آورند (باب و گيست^۲، ۲۰۰۸).

تأکید بر اهمیت آموزش هنر در مدارس مقوله جدیدی نیست و به دلایل متعدّد این یک باور مشترک است که هنر نقش مهمی را در تجارب آموزشی بچه‌ها بازی می‌کند، اما واقعاً چه تعدادی از والدین و مربیان می‌توانند به روشنی به چرایی اهمیت آموزش هنر و میزان سودمندی روش‌های آموزش هنر پاسخ دهند؟ (رمزی^۳، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان می‌دهند در مدرسی که بر آموزش هنر تأکید می‌شود، اولاً سطح همکاری دانش‌آموزان با هم بهبود می‌یابد. ثانیاً دانش‌آموزان و معلمان بر یک هدف مشترک به توافق می‌رسند (متز^۴، ۱۹۸۶). ثالثاً عملکرد دانش‌آموزان در درس ریاضی بهتر می‌شود. رابعاً سطح اعتماد به نفس آنان افزایش پیدا می‌کند (هینر^۵، ۱۹۹۵). و خامساً افت تحصیلی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد (کانور^۶، ۱۹۸۷).

تعریف هنر

واژه‌ی هنر، ریشه‌ی سانسکریتی دارد و ترکیبی است از دو کلمه «سو» به معنای نیک و هر آن چه خوب و نیک است و فضایل و کمالاتی بر آن مترتب است و «نر یا نره» به معنای انسان است. این لفظ پس از ورود به زبان اوستایی و قلب، «سین» به «ها» به «هونر» تبدیل شد که در اوستا از صفات اهورامزدا است، در فارسی میانه هنر به معنای انسان کامل و فرزانه آمده است. در تفکر فلسفی دوره اسلامی ایران، هنر به معنی کمال و فضیلت به کار برده‌اند و به طور عام یک معنای اخلاقی و معنوی بر هنر مترتب بوده است به معنای بالاترین حد و کمال هر چیز و نیز آن درجه از کمال آدمی است که

1. Research Partners Lake

2. Bobb and Gist

3. Ramsey

4. Metz

5. Heebner

6. Connor

قابلیت، کفایت، هشیاری، فراست، تقوا و دانش را در بر دارد (راهنمایی درس هنر برای معلمان، ۱۳۸۵).

صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف براساس جهت‌گیری‌های فکری و فلسفی خود به توصیف معنا و مفهوم هنر پرداخته و در صدد برآمده‌اند که مشخص سازند که اساساً قلمرو هنرها واجد چه شرایط و ویژگی‌هایی که باعث تمایز بین مقوله‌ی هنر با آنها شده است. برهمین اساس اصطلاح هنر دربرگیرنده‌ی بخشی از خلّاقیت هنری است که در آن فرد با استفاده از ابزاری هنری و صنایع دستی به بیان عواطف، احساسات و عقاید خویش نسبت به محیط اطراف که از طریق حواس بینایی، شنوایی، لامسه دریافت می‌شود، می‌پردازد.

در دایرةالمعارف، هنر به فعالیت‌هایی چون نقاشی، پیکره‌سازی، طراحی، گرافیک، معماری، موسیقی، شعر، تئاتر و سینما گفته می‌شود (پاکباز، ۱۳۸۵). در دایرةالمعارف آمریکانا ریشه لغت Art از Ars به معنای مهارت گرفته شده است و مهارت در مورد آن دسته از ویژگی‌های و قابلیت‌های انسانی به کار برده می‌شود که قابل اکتساب آموزش و یادگیری است. همچنین واژه هنر دارای کاربرد گسترده‌ای معنایی و نافذ در تمامی موضوعات خلّاق می‌باشد و در این دایرةالمعارف واژه‌ی هنر دربردارنده موضوعات خلّاق مثل ادبیات، شعر، نمایشنامه، موسیقی و هنرهای بصری است، بنابراین هنر دو بعد دارد یک بعد آن بر فرزاندگی، فرهیختگی و کمال دلالت دارد و بعد دیگر آن توانایی بیان افکار، احساسات، عواطف، تخیلات و تفکرات در قالب یکی از رشته‌های هنری است. آمیزه‌ای از این دو بعد، هنرمندی است که زیبایی‌های جهان را شناخته و جهان را در کمال زیبایی می‌بیند (امینی، ۱۳۸۴).

در نظر ارسطو هنر فعلیت بخشیدن به موادی است که استعداد و قابلیت شدن را دارند. هربرت رید، هنر را آفرینش صور و اشکال لذت بخش می‌داند که به‌وسیله‌ی نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حسّی افراد دریافت شده باشد (دریابندری، ۱۳۷۴). بر این اساس هنر یک فعالیت انسانی است و عبارت از این است که انسان آگاهانه و به یاری علائم ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است، به دیگران انتقال دهد و آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند، اما مهم‌تر از همه این که هنر تنها وسیله‌ی کسب لذّت نیست، بلکه وسیله‌ی ارتباط انسان‌ها است و برای

حیات بشر و سیر فرد و جامعه انسانی بسوی سعادت موضوعی ضروری و لازم است؛ زیرا افراد بشر را، احساساتی یکسان به یکدیگر پیوند می‌دهد. کانت هنر را ملازم با آزادی می‌داند و معتقد است که عنوان هنر را باید به چیزهایی اعطا کرد که با آزادی به وجود آمده‌اند؛ یعنی مخلوق اراده هستند و برهان و منطق‌های آن است. لئون تولستوی، نویسنده نامدار روسیه، درباره‌ی هنر معتقد است که: هنر وسیله کسب لذت نیست، بلکه یکی از شرایط حیات بشری است.

صرف‌نظر از تعاریف و تعبیر مختلف که در مورد معنا و مفهوم هنر ارائه شده است، این نکته قابل انکار نیست که هنر اساساً نشان‌دهنده‌ی عروج و تعالی معرفت انسانی است و این معرفت مستلزم هماهنگی اساس و شناخت آدمی است (امینی، ۱۳۸۵: ۵).

ارزش و اهمیت هنر

ارزش‌هایی که توسط فرهنگ جوامع از هنر درک می‌گردد، چیزهایی هستند که باید مورد توجه مدارس و جامعه قرار گیرند. در غیر این صورت ما از رشد آنچه انسانیت ما را می‌سازد و از شروط و وجوه ممیزه انسانی ما است، غافل خواهیم ماند. به همین دلیل هنر به شدت در تقابل با نیازهای خاص‌تر ما برای خلق چیزها و کشف از طریق فناوری (تکنولوژی) قرار می‌گیرد؛ زیرا کارکرد هنر مانند فناوری که رایانه‌های ریزپردازنده را برای ما تولید کرده است نیست. ارزش‌های هنری بیشتر به قابلیت یادگیری، تمدن‌سازی و ارزش‌افزایی و تقویت‌کنندگی هنر برمی‌گردد، تا کارکردهای آن. به همین لحاظ هنرها عمدتاً به خاطر سر و کارشان با کیفیت‌ها و ویژگی‌های غیرقابل اندازه‌گیری و زیبایی‌شناختی و اغلب به خاطر نقص در شواهد قابل استنتاج، مورد اختلاف و مناقشه هستند. از این رو اگر انسان در خصوص ارزش هنر به توافق برسد، آنگاه عرصه حیات او مشحون از تجارب انسانی خواهد بود تا آزمایش‌های علمی (بارنز، ۲۰۰۲).

هنر پدیده‌ایی است که همواره نقشی مؤثر در زندگی انسان داشته و از دیرباز مورد توجه فلاسفه، اندیشمندان و مربیان بوده است. چنان که مکاتب گوناگون فکری، سیاسی و اعتقادی هنر را به منزله‌ی وسیله‌ای کارآمد جهت توسعه مفاهیم و معارف

مختلف در جامعه قلمداد نموده و آن را به گونه‌ای متناسب با هدف‌های خود در پرورش انسان به کار گرفته‌اند البته در بیان عوامل و علل پیدایش هنر اختلاف نظر وجود دارد؛ چنان که گروهی خاستگاه هنر را همان نیازهای اجتماعی، و براساس تکامل ابزار تولید و روابط تولیدی و اجتماعی می‌دانند و عده‌ای بر غریزی بودن هنر و ارتباطش با تمایلات و احساسات درونی انسان تأکید می‌ورزند و گروهی دیگر معتقدند که هنر در احساسات و عواطف دوران کودکی ریشه دارد و علل اصلی گرایش به آن را می‌توان در مشکلات و محرومیت‌های زندگی و دوران کودکی انسان جستجو کرد. به هر حال غالب صاحب‌نظران بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که هنر قدیمی‌ترین پدیده انسانی و اجتماعی است که در دوره‌های مختلف فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون وجود داشته و در مراسم مذهبی و اجتماعی نقش بارزی را عهده‌دار بوده است (میرزاییگی، ۱۳۷۰).

هنر در اصیل‌ترین و ماندنی‌ترین نمونه‌های خود، بر جلوه‌هایی از مسائل اساسی انسان، نیازهای ژرف وی و آرمان‌ها و ایده‌های عظیم او نظر دارد، و رهاوردهای ارزنده‌ای را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. در مجموع هنر می‌تواند، با در نظر داشتن اساسی‌ترین مراحل و عمیق‌ترین ابعاد حیات و تربیت، شخصیت مخاطبین را با تغییر و تحولی چشمگیر مواجه سازد، چنان که در فرهنگ‌ها و مکاتب فکری و سیاسی مختلف، هنر نقش تربیتی خود را دارد و همگام با روش‌های فلسفی و اعتقادی و گاه در تأثیرگذاری، حتی پیش‌تر از آن‌ها گام برمی‌دارد و به موفقیت‌های برجسته‌ای نایل می‌آید. از این رو هنر علاوه بر نقش فردی، از تأثیرات اجتماعی پر اهمیتی برخوردار است (همان: ۷۵-۷۴).

هنر و فعالیت‌های گروهی

یکی از مشکلاتی که صاحب‌نظران در روند توسعه کشور ایران به آن اشاره می‌کنند، ضعف در انجام فعالیت‌های گروهی است، که باعث می‌شود افراد در دل گروه علاوه بر شکوفایی خلاقیت بتوانند با بهره‌گیری از حمایت جمع به اهداف خود دست یابند. متأسفانه در گذشته ما نتوانسته‌ایم با آموزش‌های لازم اعضای جامعه خود را برای انجام فعالیت‌های گروهی موفق تربیت کنیم و این خود به یک معضل اجتماعی مبدل شده است و افراد در سنین بزرگسالی قادر به کار جمعی نیستند و به همین خاطر احتمال

شکست خوردن در رسیدن به اهداف برای آنان افزایش می یابد. بهره گیری از هنرهایی نظیر نمایش خلاق کمک می کند تا دانش آموزان بتوانند مسائل و موضوعات را از روی تجربه بشناسند. نمایش خلاق موجب رشد شخصیت و پرورش عزت نفس می شود و کودکان یاد می گیرند که چگونه کار گروهی انجام دهند. از طرف دیگر در مورد تأثیر هنر در جامعه می توان اشاره کرد که آفرینش هنری را با همه شکل هایی که به خود می گیرد، هیچگاه نمی توان به درکی که انسان از آن دارد، محدود کرد، همان گونه که نمی توان آن را فقط به برخی از عنصرهایش که به طور دلخواه از برخی دوره های گذشته انتخاب می شوند، محدود ساخت. به عبارت دیگر نمی توان تخیل را از تأثیرات کلی که در زمان آفرینش اثر هنری بوده اند جدا کرد زیرا جداکردن تخیل از واقعیت اجتماعی غیرممکن است. تنها از طریق تحلیل همه نمادهای اجتماعی که در اثر هنری متبلورند، می توان دریافت که تا چه اندازه هنر در رشد آنها تأثیر داشته است (سحابی، ۱۳۷۹: ۷۴).

هنر موجب تشکیل یک جامعه نمی شود، بلکه جامعه ها را به وجود می آورد؛ زیرا هر گروه اجتماعی هنر خاص خود را دارد، و اگر هنر در درون یک گروه افراد را متحد می کند در بیرون آن گروه اجرایی می شود، مانند هنر ملی و هنر طبقات اجتماعی، هنرنخبگان، هنرعامیانه. زمانی که هنر از جامعه به سوی فرد می رود گونه ای نظم بخشیدن به شور و شوق آدمی است، هنگامی که از فرد به سوی جامعه می رود برعکس حالت پیشین، جوش و خروش نیروهای روانی است (حسینی، ۱۳۷۴).

هنر و آموزش های علمی

یکی دیگر از خدمات هنر، دخیل بودن آن در آموزش علمی است. انواع افسانه ها داستان ها، نمایش ها و فیلم های هنری و نیز طرح ها و تصاویر متنوع که هر کدام جلوه هایی از هنر هستند در تحریک و تقویت حس کنجکاوی و میل به جستجوگری انسان در شناخت پدیده های هستی و محیط پیرامون خود مؤثر است. پرورش نیروی تخیل و ایجاد انگیزه های مناسب از طریق هنر، از جمله عواملی است که راه را جهت اختراعات و اکتشافات هموار ساخته است. بیان ویژگی های زیستی جانوران، شرایط محیط و نحوه ی زندگی حیوانات، مواردی چون مهاجرت، تولیدمثل و بقای جانور،

ارائه اطلاعات، آموزش مفاهیم، اصول و قوانین فیزیکی، و آثاری مرتبط با کاربرد فیزیک و شیمی در امور مختلف و نقش آن در زندگی انسان، نیز تحت تأثیر هنر قراردارند. هنر موجب بسط دانش و پرورش قدرت شناخت دانش آموزان می شود. چون ذکر حوادث و پدیده های طبیعی و جغرافیایی، در قالب آثار متنوع هنری، و ارائه ی اطلاعات و مفاهیم درباره ریاضیات و مطالب به وسیله ی آن برای کودکان از جمله مواردی است که می تواند سودمند واقع شود.

هنر و آرامش روان

فروید فعالیت های هنری را مبتنی بر محرومیت های زندگی و امیال واپس زده می داند. وی از سویی لذت ناشی از ادبیات و هنر را ناشی از رها شدن فشارها و تعارضات روانی فرد دانسته، و از سوی دیگر نقش آفرینش هنری را در پالایش امیال سرکوفته که با مخالفت های اخلاقی و اجتماعی روبرو بوده است، به سوی هدف های اجتماعی برتر می داند. بنابراین پالایش روانی، ناشی از آفرینش آثار هنری، موجب رهاسازی هیجانات، تعدیل فشارهای روانی و آرامش هنرمند می گردد. خلاصه اینکه اولاً بنا بر شواهد مختلف، فعالیت های مذهبی در ابعاد عمیق عاطفی، انسانی و جمعی خود، با استفاده از هنر صورت پذیرفته است، چنان که گویی هنر، زبان ویژه ی نیایش، پرستش، انجام فعالیت های معنوی، عرفانی و متعالی - به منظور ارتباط با نیروی حاکم بر هستی - می باشد. ثانیاً اوج شکوه و اصالت پدیده های هنری، در بهره گیری از هدف های عظیم انسانی، معنوی و الهی است، که در این میان مضامین و پیام های اصیل و متعالی اعتقادی و مذهبی از اهمیتی ویژه برخوردار می باشند از این رو ضمن تأکید بر نقش هنر و ضرورت کاربرد سنجیده و برنامه ریزی شده ی آن در آموزش و پرورش به مفهوم کلی، بر استفاده ی مناسب از هنر در پرداختن به اهداف اعتقادی و مذهبی، جهت پرورش ابعاد اخلاقی و معنوی شخصیت انسان، تقویت ایمان مذهبی و روحیه ی اعتقادی، نگرش توحیدی و گرایش به ارزش های اصیل آن تأکید می گردد. چنان که موفقیت در این امر در پیشبرد هدف های آموزشی، پرورشی و دیگر جنبه های شخصیت انسان نقش اساسی دارد. هنر از دیرباز در آئین های مذهبی و اعتقادی نقش داشته و همچون زبانی مناسب جهت بیان حالات عاطفی، باورهای اعتقادی، طرح نیازها و یاری جستن از

نیروهای برتر در ارضای آن مورد نظر بوده است. در جوامع و قبایل ابتدایی مراسم اجتماعی و مذهبی اغلب توأم با فعالیت های هنری بوده است تا آنجا که تاریخچه نمایش و تئاتر امروزی به مراسم و مقاصد مذهبی بازمی گردد.

هنر و اهمیت آن در اسلام

در مورد اهمیت هنر در اسلام می توان به زمینه های گوناگونی اشاره کرد، که یکی از این زمینه ها متون اسلامی است و مهمترین آن قرآن کریم می باشد. بارزترین ویژگی های قرآن کریم، برخورداری از معانی متعالی، گیرایی و استحکام بیان است که از عوامل مهم و تأثیرگذار بر انسان هستند. فصاحت، بلاغت و جنبه های ادبی و هنری قرآن توسط محققین مختلف مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در بسیاری از مراسم، اعم از مراسم نیایش، سوگواری، جشن، اعیاد مذهبی و دیگر موارد، بهره گیری از انواع هنر کاملاً مشهود می باشد. در سطور زیر به نمونه های از مراسم اسلامی اشاره می شود:

• **خواندن قرآن:** استفاده از کلام موسیقایی که اغلب با عنوان قرائت و یا ترتیل قرآن از آن یاد می شود.

• **خواندن ادعیه:** این عمل که غالباً به صورت گروهی و در مراسم نیایش جمعی صورت می گیرد با استفاده از صوت خوش و آهنگ خاص صورت می پذیرد.

• **مراسم سوگواری جمعی:** در این مراسم که اغلب برای یادبود قیام سیدالشهداء و حادثه کربلا و شهادت و یا وفات بزرگان دینی و شخصیت های برجسته ی اسلامی برگزار می شود، برنامه های چون نوحه خوانی و مرثیه سرایی، سینه زنی یا زنجیرزنی اجرا می گردد.

• **روضه خوانی:** از دیگر مواردی است که در آن با تکیه بر پیام های (اعتقادی، عاطفی و انسانی، اغلب استفاده از اشعار مناسب، آهنگ و اجرایی گیرا و صوت زیبا مورد توجه قرار دارد.

• **نمایش حماسه های اسلامی:** تعزیه از هنرهای نمایشی است که در جامعه ما عمدتاً جهت بازآفرینی صحنه هایی از حماسه ی کربلا و نمایش لحظه های باشکوه اجرا می گردد. علاوه بر نمونه های فوق، پرده خوانی استفاده از قصه و تمثیل و اشعار در سخنرانی های مذهبی و دیگر فعالیت های آموزشی و تربیتی از مواردی است که همواره

مورد استفاده بوده است. در تمامی این موارد، هنر به عنوان وسیله‌ای رایج، در بیان افکار، عقاید و وسیله‌ی مؤثر جهت انجام نیایش، کسب اطلاع از تاریخ گذشته، زنده نگه داشتن حوادث برجسته تاریخی و بزرگداشت یاد شخصیت‌های ارزنده اسلامی و اجتماعی بوده است (میرزابیگی، ۱۳۷۰).

ادبیات و هنر در تاریخ اسلام و جوامع اسلامی جایگاهی ویژه داشته است. علاوه بر آنچه که در مراسم عبادی و مذهبی بیان گردید از جنبه‌های دیگر نیز قابل توجه و بررسی می‌باشد. در اینجا مواردی از انواع هنر، که در طول تاریخ اسلام، در جوامع اسلامی پدید آمده و مورد استفاده قرار گرفته است به اختصار بیان می‌شود:

• **ادبیات و شعر:** از ویژگی‌های بارز فرهنگ اسلام و ایران، آثار برجسته و گنجینه‌ی گرانبه‌ای شعر و ادب است، که با بهره‌گیری از مضامین اعتقادی و اسلامی، نمونه‌های پرکاری از بینش توحیدی، عرفانی، هستی‌شناسی و انسان‌نگری در آن مشاهده می‌گردد. علاوه بر مجموعه اشعار مختلف، نمونه‌های متنوعی از آثار منشور، حاوی قصص، حکایات و متون ادبی و با مضامین پر بار اعتقادی، توحیدی، انسانی و اجتماعی، بر غنای فرهنگ اسلامی افزوده است.

• **نمایش و تئاتر:** نمایش و تئاتر که در آغاز، اغلب بر نمایش‌های مذهبی، سنتی و تعزیه تکیه داشت به تدریج از نظر سوژه‌ها و تکنیک‌های نمایش تنوع پیدا کرد. و به انواع مختلف تراژدی، کمدی و درام تقسیم شده و در حال حاضر همگام با تکنولوژی دیداری - شنیداری، نمونه‌های گوناگونی چون نمایش زنده، رادیویی و تلویزیونی را شامل می‌گردد.

• **نقاشی و طراحی:** نقاشی و طراحی نیز همچون برخی از دیگر شاخه‌های هنر، گاه ضمن تأثیرپذیری از آثار دیگر جوامع در فرهنگ و جوامع اسلامی رشد یافته و با بهره‌گیری از خلاقیت و ابتکار هنرمندان اسلامی، ویژگی‌های خاصی به خود گرفته است. این هنرها در تزیین و تذهیب کتب، معماری اسلامی، ظروف و البسه، مورد استفاده بوده است. بهره‌گیری از سبک‌های پیشرفته و کارآمد، توأم با مضامین و سوژه‌های انسانی، اعتقادی و انقلابی از نمونه‌های بارز طرح‌ها و نقاشی‌های هنرمندان مسلمان و متعهد به‌شمار می‌رود.

• **موسیقی:** در فرهنگ اسلامی و در کشور ایران، موسیقی به شیوه‌های مختلف

و در مراسم گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاربرد این هنر بجز مواردی که حاکی از انحراف آن است، می‌تواند به نوبه‌ی خود در پیشبرد اهداف انسانی، اجتماعی و اعتقادی نقشی سازنده داشته باشد. موسیقی درمانی^۱ که امروزه به عنوان یکی از شیوه‌های درمان مطرح است، در گذشته توسط دانشمندان اسلامی نیز مورد استفاده قرار داشته است. چنان که در شرح حال الکندی آمده است، که وی در طبابت نیز مهارت داشته و با استفاده از موسیقی به درمان پسر بچه‌ای که از بیماری فلج رنج می‌برد و دیگر پزشکان قادر به درمان کردن او نبودند، پرداخته است (همان: ۲۸-۳۲).

واقعیت این است که هنر ضریب نفوذپذیری بالایی در مؤلفه‌های اجتماعی داشته است و نشانه‌های هنری در روح و کالبد جامعه حضور دارد و این امر می‌تواند در انگیزه‌افزایی دانش‌آموزان در جهت گرایش به یادگیری مؤثرتر، به‌کار آید. زبان و ادبیات، آثار باستانی، فرآورده‌های فنی، معماری و شهرسازی، طراحی حیات زیست محیطی، ورزش و سلامت و ده‌ها نشانه‌ی دیگر از هنر وام می‌گیرند؛ در واقع هنر به رشد و پرورش خلاقیت و توانایی‌های کودکان کمک کرده و ظهور و بروز این قابلیت‌ها در هنر جلوه‌گر می‌شود. کشور ما ایران از صدها سال قبل از میلاد در زمینه‌ی هنر سرآمد بوده است و ایرانیان همواره برای هنر ارزش و اعتبار ویژه‌ای قائل بوده‌اند و در قرن بیست و یکم نیز همچنان بعضی از آثار ایرانیان چون فرش و صنایع دستی مثل نگینی زیبا در جهان می‌درخشد تا جایی که فرانچسکو رئیس سازمان تجارت جهانی^۲ بیان کرده است که: «ایران باید پایه مطالعات و پایلوت صنایع دستی جهان قرار گیرد». پایان سخن اینکه تعلیم و تربیت ما می‌تواند با یک برنامه‌ریزی بلندمدت به همه‌ی این ظرفیت‌ها پاسخ دهد، زیرا:

۱. هنر زبان جهانی است که همه مردم با آن ارتباط برقرار می‌کنند و می‌توانند با آن بر موانع نژادی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی فائق آیند و شناخت و آگاهی فرهنگی خود را بهبود بخشند.

۲. هنرها سیستم‌هایی از نشانه‌ها و سمبل‌ها هستند که همانند حروف و اعداد اهمیت دارند.

۳. هنرها مغز، بدن و روح را با هم هماهنگ می‌سازند.
۴. آنها فرصت‌هایی را برای بیان خود و انطباق دنیای درون با واقعیت‌های خشک و شاق دنیای برون فراهم می‌کنند.
۵. هنرها فضایی را برای جاری ساختن دیدگاه‌ها و رشد تجربیات فراهم می‌نمایند.
۶. آنها میان انگیزه، آموزش، ارزشیابی و کاربردهای عملی در راستای نیل به فهم عمیق از امور پیوندی محکم ایجاد می‌کنند.
۷. هنرها فرصت‌هایی را فراهم می‌کند تا افراد بتوانند فرایند انجام کارها را از ابتدا تا انتها تجربه کنند.
۸. هنرها هم استقلال عمل را در افراد تقویت می‌کنند و هم زمینه همکاری را میان آنها توسعه می‌بخشند.
۹. ماهیت کار هنری به افراد فرصت می‌دهد تا فوراً از نتیجه فعالیت‌های خود بازخورد کسب کرده و درباره کم و کیف فعالیت‌های خود مجدداً تأمل نمایند.
۱۰. تنوع در زمینه‌های هنری سبب می‌گردد تا افراد بنابه قریحه و استعداد خود، از توانمندی‌های ویژه خویش بهتر استفاده نمایند.
۱۱. استفاده از رویکردهای حسی و تجسم‌های فضایی در هنر به افراد امکان می‌دهد تا مسائل و موضوعات انتزاعی راحت‌تر درک گردد.
۱۲. هنرها یادگیری از فرایند و محتوا را با هم ترکیب می‌نمایند.
۱۳. هنرها با افزایش سطح نمرات آزمون‌ها، ارتقای نگرش‌ها، مهارت‌های اجتماعی و تفکر انتقادی و خلاق، موفقیت علمی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند.
۱۴. هنرها امکان تجربه سطوح عالی‌تر مهارت‌های تفکر منطقی از جمله تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و مسأله‌یابی را ممکن می‌سازند و آنها را توسعه می‌دهند.
۱۵. هنرها عناصر اساسی هر برنامه‌ی ارزشیابی جایگزین هستند.
۱۶. هنرها همچون وسیله‌ای هستند که فرایند یادگیری را افزایش می‌دهند.

تدریس و آموزش هنر

تدریس یک فرایند خلاق و سازنده است و در فعالیت‌های هنری و طراحی، رویکرد